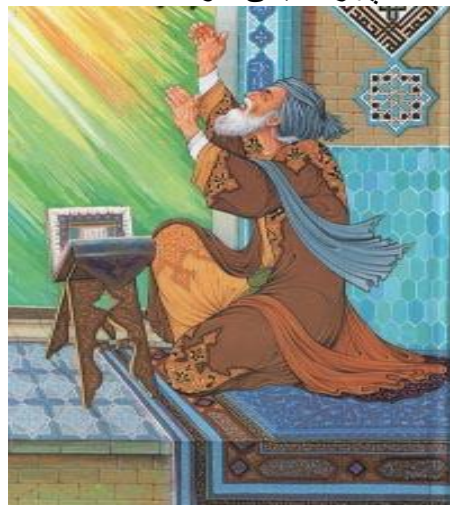


خواجه عبدالله

شیخ الاسلام ابواسماعیل عبدالله فرزند محمد انصاری هروی معروف به پیر هرات «خواجه انصاری» دانشمند و عارف (متولد هرات 396 ه.ق. / 1006 م. - فوت هرات 481 ه.ق. / 1088 م.) مادرش از مردم بلخ بود. او از کودکی زبان گویا و طبعی توانا داشت. چنانکه شعر فارسی و تازی را خوب میسرود.

چهره خیالی خواجه عبدالله



وز جمله ای خلق بر گزیدن خود را

عیب است بزرگ بر کشیدن خود را (1)

عبدالله انصاری دارای حافظه خیلی قوی بود. و در جوانی در علوم ادبی و دینی و حفظ اشعار عرب مشهور بود. هر نظم و نثر مغلق و پیچیده را بعد از باری خواندن از حفظ داشت. هفتاد هزار شعر عربی را حفظ نموده بود. و خودش نیز هزار بیت در آن زبان سروده بود. وی یکی از بزرگان بی بدیل زبان و ادب فارسی سرزمین ایران شرقی یا خراسان بشمار می رود. و کارکرد های فرهنگی و ادبی او به زبان و ادبیات فارسی غنامندی و بالندگی ویژه بخشید.

پیر هرات باستان در فقه روش احمد حنبل (*) را پیروی میکرد. وی در تصوف از شیخ ابوالحسن خرقانی تعلیم گرفته و جانشین او بود و علاوه بر او از مشاهیر متصوفه عهد خود مانند شیخ ابوسعید ابی الخیر فایده ها برگرفت.

چنانچه بسیاری از رباعیات ایکه به عمر خیام منسوب است، بقول اغلب کارشناسان شعر و ادب فارسی از خود او نیست، بل سروده های استادان ابی سعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و دیگران می باشد. انصاری شعر میسرود و بسیاری از اشعار خود را در رسالات خود آورده است.

از اشعار اوست :

در عشق تو گه مست و گهی پست شوم
وزیاد تو گه نیست و گهی هست شوم
در پستی و مستی ار نگیری دسـتم
یکبارگی ای نگار از دست شوم
دی آمدم و نیامد از من کاری
امروز ز من گرم نشد بازاری
فردا بروم بی خبر از اسراری
نا آمده به بودی از این اسراری
هردل که طواف کرد گرد در عشق
هم خسته شود در آخر از خنجر عشق
این نکته نوشته ایم بر دفتر عشق
سردوست ندارد آنکه دارد سرعشق
ای هرچه ترا مراد آن باید کرد
دیدار ترا نثار جان باید کرد
گر کار برغم پاسبان باید کرد
جان در سرکار دوستان باید کرد(2)

مناجاتها و مجالس او به سبب دربرداشتن نثر مسجع لطیف و پر معنا از اهمیت خاص ادبی برخوردار است . او به زبان عربی و فارسی آثار منظوم و منثور دارد و از آن جمله از آثار اوست :

1 - کتاب طبقات الصوفیه ، که یکی از آثار بسیار معتبر فارسی و از کتب مشهورخواجه عبدالله انصاری است. [طوریکه معلوم است کتاب طبقات الصوفیه را اصلاً ابو عبدالرحمان محمد فرزند حسین سلمی نیشابوری (متولد 412 ه.ق.) بزبان عربی تألیف کرده است .] ولی عبدالله انصاری این اثر باارزش را به فارسی لهجه هروی برگردانده است .

2 - تفسیری که برقرآن نوشته و آن همان است که اساس کار « ابوالفضل رشیدالدین میبیدی » در تألیف کتاب « کشف الاسرار » ، معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری قرار گرفته .

3 - کتاب اسرار که آن نیز بزبان فارسی و منتخباتی از آن باقیست . پیر هرات این خردمند خراسان بزرگ بزبان عربی و فارسی تصانیف بسیارداشته مگر آنچه بالفعل موجود است یکی « ذم الکلام » است که به عربی است و در موزیم بریتانیا موجود می باشد و دیگری « منازل السائیرین الی اسحق المبین » که آن نیز به عربی و نسخ متعدده از آن در کتابخانه های اروپا موجود است .

از رسایل منثور او که بنشر مسجع نوشته عبارت اند از : (3)

- 1 - مناجات نامه ، بزبان فارسی است .
- 2 - نصایح ،

3- زادالعارفین ، بزبان فارسی و در موزه بریتانیا میباشد.

4 - کنزالساکین ،

5 - قلندر نامه ،

6 - محبت نامه،

7 - هفت حصار ،

8 - رساله دل و جان،

9 - رساله واردات ،

10 - الهی نامه ، ورباعیات ، قطعات و قصاید فارسی .

چندی از سخنان خردمندان این دانشمند و ادیب سرزمین خراسان و اسلام را بخوانش می گیریم :

1 - دنیا را به سگی ده که پایت را نگیرد و یا به کسی ده که دستت را بگیرد .

2 - اگر مردی عیب پوش باش نه عیب فاش ، خدا می بیند و می پوشد و همسایه نمی بیند و می خروشد.

3 - اگر در آب روی خسی باشی و اگر در هوا روی مگسی باشی ، دل بدست آور تا کسی باشی .

او مراتب خواستن حق را با دید معنویت اخلاقی خویش در قالب منظوم زیر، اینطور شرح میدهد:

نه هر طالب تواند اشک ریزی

نه هر عاشق تواند صبح خیزی

ترا آن به که چون مردان سر مست

شبی از خود بسوی حق گریزی

چند نمونه از مناجات دلنشین پیر طریقت و ابرمرد تصوف سرزمین نیاکان :

1 - الهی از آنچه نخواستی چه آید؟

و آنرا که نخواندی کی آید؟

تا کشته را از آب چیست؟

و نا بایسته را جواب چیست؟

تلخ را چه سود اگر آب خوش در جوار است؟

و خار را چه از آن کش بوی گل در کنار است .(4)

2 - الهی کدام زبان به ستایش تو رسد ؟

کدام خرد صفت تو را بر تابد ،

کدام شکر با نیکوئی تو برابر آید ،

کدام بنده به گزاردن عبادت تو رسد.

3 - الهی نسیمی دمید از باغ دوستی دل را فدا کردیم ،

بویی یافتیم از خزینه دوستی به پادشاهی بر سر عالم ندا کردیم ،

برقی تافت از مشرق حقیقت آب و گل کم انگاشتیم و دو گیتی بگذاشتیم ،

یک نظر بسوختیم و بگذاختیم بیفزای نظری و این سوخته را مرهم ساز

و غرق شده را دریاب که می زده راهم بمی دارد و مرهم بود .

4 - الهی تودوستان را به خصمان می نمایی ، درویشان را به غم و اندوهان

میدهی بیمار کنی و خود بیمارستان کنی ، درمانده کنی و خود درمان کنی از

خاک آدم کنی و با وی احسان کنی سعادتش بر سر دیوان کنی و به فردوس او را

مهمان کنی مجلسش روضه رضوان کنی نا خوردن گندم با وی پیمان کنی و خوردن آن در علم غیب پنهان کنی آنکه او را بزدان کنی و سال ها گریان کنی جباری تو کار جباران کنی خداوندی کار خداوندان کنی تو عتاب و جنگ همه با دوستان کنی .

5 - الهی بود من بر من تاوان است ، تو یک بار بود خود بر من تابان ، مصیبت من بر من گران است ، تو آب خود بر من باران .

6 - الهی چون با خود نگرم و کردار خود بینم گویم از من زار تر کیست ؟
بندگی تو بینم گویم از من بزرگوار تر کیست ؟
گاهی که به طینت خود افتد نظرم
گویم که من از هر چه در عالم بترم
چون از صفت خویشتن اندر گذرم
از عرش هی به خویشتن در نگرم(5)

منابع و مأخذ

1- رجوع شود به :

- k21 - www.herat.co.uk/ansari/ansari.htm

2- تاریخ ادبیات در ایران ، دکتر ذبیح الله صفا ، ج 2 ، ص 912 .
(*) احمد حنبل : مؤسس فرقه حنبلیه است . هبار وی تاجیک از مرو ولی ولادت و نشأتش در بغداد بوده است . (تولد 164 - فوت 241 هـ.ق .) . کارکرد علمی و سعی بلیغ او بیشتر در علم حدیث بود و در راه جمع حدیث به : کوفه و بصره و مکه و مدینه و شام و یمن و الجزیره سفر کرد . احمد حنبل اساس اندیشه خود را بر کتاب و حدیث و سنت قرار داد . و در این راه خدمات ارزنده یی انجام داد .

3 - فرهنگ فارسی ، مؤلف : داکتر محمد معین ، ص 1150 .

4 - رجوع شود به :

(zahidy.persianblog.com/ - k101 -)

- « ریحانه ادب فی تراجم المعروفین بالکنیه واللقب »
مؤلف : استاد علامه میرزا محمد علی مدرس .

5 - رجوع شود به :

- 86k - eimenrahimi.persianblog.com/

« مناجات خواجه عبد الله انصاری »